

پیشخوان

«**عالمان دین و صیانت از سرمایه‌های ملی**» در آیین‌ه یک پژوهش نوانتشار

خوانش فصلی مغفول از تاریخ ایران

■ **محمدرضا کائینی**



تحقیقی که در این مجال به‌شما معرفی می‌شود، به کاوش پیرامون کارنامه علمای شیعه در حفظ بضاعت مادی و معنوی ایرانیان می‌پردازد. این اثر توسط مهدی ابوطالبی تألیف شده و کانون نشر اندیشه

جوان، آن را روانه بازار کتاب کرده است. ناشر در دیباچه خود بر این پژوهش، در باب موضوع آن آورده است: «تاکون به دلایلی، به فعالیت عالمان شیعه در عرصه‌های اجتماعی و به ویژه اقتصادی، کمتر توجه شده‌است و اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد، اما در دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب در تاریخ معاصر ایران، مدارک درخور توجهی وجود دارد که از نقش مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم حکایت می‌کند. عالمان شیعه، بر خوردار از منزلت اجتماعی بالا در جامعه ایران، بر اساس مبانی و اصول دینی خاص و با تکیه بر سرمایه اجتماعی عظیم توده مردم از سرمایه‌های ملی ایران حفاظت کرده‌اند. توجه آنان به کار کردهای مثبت و منفی مصرف کالاهای داخلی و خارجی، عملی تأثیرگذار بر تضعیف نفوذ نظامی دشمن، افزایش ثروت و سرمایه ملی، ممانعت از خروج نیروی کار ایران و مانند آن بوده است. آنان با مقابله با قراردادهای استعماری مثل رویترز، ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله و قرارداد نفت ایران و انگلیس، مانع تاراج و از بین رفتن منابع زیرزمینی و روزمینی از جانب بیگانگان شدند. کتاب حاضر، برخلاف برخی تصورات غرب‌گرا، گوشه‌هایی از اقدامات نگاهبان‌ه عالمان شیعه در جلوگیری از حضور و استیلای استعمارگران و حفاظت از منابع و سرمایه‌های ملی ایران را حکایت می‌کند. اثر حاضر محصول تلاش گروه نظام‌ها و مطالعات انقلاب



آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی

در بازدید از تأسیسات نفتی

اسلامی مرکز پژوهش‌های جوان است…»

مؤلف نیز بر اثر تألیفی خویش، مقدمه‌ای دارد که در آن به ترتیب بی آمده، اهمیت مفاد کتاب را تشریح کرده است: «علمای شیعه همواره بر اساس وظیفه‌های که بر عهده دارند و آن هدایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت در راستای احکام اسلام و موازین شرع است، اقدامات مختلفی انجام داده‌اند. ذهنیت عمومی جامعه ما به ویژه نسل جوان این است که وظیفه و اقدامات علمی علما، بیشتر در مباحث خاص دینی- مثل برپایی مراسم دینی، وعظ و خطابه و امام جماعت بودن و پاسخگویی به سؤالات و شبهات اعتقادی و شرعی مردم - بوده است، بنابراین به فعالیت‌های علمای شیعه در عرصه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی کم‌توجهی شده و این مباحث کمتر بیان شده است. امروز نسل جوان ما نمونه‌های زیادی از اقدامات علما در حفظ موراثت دینی، مقابله با شبهات اعتقادی، مناظرات مذهبی، عقیدتی و… را سراغ دارند، اما اگر از نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی با هویت ملی با منافع ملی کشور سخن بگوییم، قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که چون اسلام دینی جامع‌است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامہ دارد، بالطبع عالمان اسلامی که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های آن و اجرای آن را در جامعه بر عهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند. در تاریخ معاصر ایران که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به اقدامات علمی شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ام، یکی از اقدامات علمی شیعه در مواجهه با این تهاجمات، دفاع و حمایت از سرمایه‌های ملی ایران است که آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی داشته است. در این کتاب به نمونه‌هایی از اقدامات این بزرگواران در حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی کشور اشاره خواهیم کرد…»



علی امینی کنار حسین ارسنجانی، در دوره نخست‌وزیری



علی امینی از دیرباز و به دلیل پیشینه خانوادگی با برخی علما و روحانیون از تباط داشت، حتی برخی چهره‌ها که در صدر انقلاب جای داشتند، از

این روی پس از فراز از ایران و پیروزی انقلاب اسلامی، مأموران سیار ا فریفت که می‌توانند از طریق این ار تباط، اطلاعاتی مهم را در اختیار آنان نهد. او در قبال ارائه این به اصطلاح اطلاعات، ماهی ۱۸۰ هزار دلار از آنان می‌ستاند؛ با این همه و پس از مدتی، سیبا دریافت که ادعاهای امینی بیشتر به بلوف می‌ماند

سه‌گانه حیات سیاسی علی امینی، در آیینه روایت‌ها و تحلیل‌ها

جبهه نجات

به مثابه مفری از بیکاری در پیرانه سری!

«**مقران ساعت ۱۲-۱۳ دوازده نفر از دانشجویان مزبور منزل رشیدیان را ترک و دو نفر از آنها (غضامی احد کوهرنگی)، به خواهش رشیدیان برای صرف ناهار با رشیدیان پیرامون وضع دانشگاه، جبهه ملی و کابینه آقای دکتر امینی، به مذاکره پرداخته و رشیدیان اظهار می‌دارد تصمیم بر این است که در دانشگاه یک عده متشکل از دانشجویان مبارز و با ایمان را جمع آوری نموده و آنها را برای مبارزات آینده با دانشجویان وابسته به جبهه ملی آماده نمایم و این مأمورین مأموریت را من به شما دو نفر که در بین دانشجویان دانشگاه صاحب نفوذ هستید، محول ساختم و شما پس از خروج از منزل، برنامه کار خود را طرح و شروع به کار نمایید. چون ممکن است ظرف دو، سه روز آینده من از طرف دولت دستگیر و زندانی گردم و تماس ما خود به خود قطع شود. شما متأثر نباشید، زیرا من چهار ماه و یک‌هفته پیش از شش ماه در زندان نخواهم بود، برای آنکه تمام این جریانات صحنه است و رفتن کابینه مهندس شریف امامی و آمدن دولت دکتر علی امینی، فقط برای سر و سامان دادن به وضع اقتصادی مملکت و نجات از ورشکستگی و دریافت پول از امریکایی‌هاست، زیرا امریکایی‌ها گفته بودند تا تعدیسی در امور نگردد و اصلاحاتی در داخل ایران صورت نگیرد و عناصر سودجو از رأس کارها طرد نشوند و یک دولت بیک روی کار نیاید، آن‌ها کمک نخواهند کرد. حالا برای این مسئله دستگیر می‌گردم و یک دولت بیک روی کار نیاید، آن‌ها کمک نخواهند کرد. حالا برای اینکه زمینه جهت دریافت کمک از امریکا مساعد شود، دولت دستگیری و زندانی شدن من هم بکی از آن اقدامات است. مقران ساعت ۱۵ دو دانشجوی نامبرده منزل رشیدیان را ترک می‌نمایند…»**

فرضتی برای اصلاحات امریکایی که با سنگ اندازی شاه مواجه شد

بی‌تردید سیاست‌های علی امینی، مواردی بود که امریکا آنها را در ایران پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دنبال می‌کرد. چه اینکه بدون انجام اصلاحات، ادامه حکومت امینی، شاهی در بین مدعاست؛ و توانایی‌های سرکوب یارگیری دولت را تقویت کرد. امضای قراردادی بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی کشورهای غربی در اکتبر ۱۹۵۴، بارزترین مصادیق این اقدامات است. مذاکره برای اینگونه قراردادها را دکتر علی امینی وزیر دارایی زاهدی بر اساس مشاوره با کارشناسان و متخصصان امریکایی به انجام رسانند. این قرارداد شابهت بسیار زیادی با قراردادهای دیگری داشت که در همان دوران تاریخی بین کشورهایمانند عربستان و سایر دولت‌های تولیدکننده نفت با شرکت‌های امریکایی منعقد شده بود. سود حاصل از اینگونه قراردادها به گونه مشارکتی، یعنی در وضعیت ۵۰-۵۰ تعیین شده بود. قرارداد کنسرسیوم به گونه‌ای تنظیم شده بود که ایران حق امتیاز خود را بر اساس ۱۲٫۵ درصد کل فروش دریافت می‌کرد. در این دوران، شرکت بریتیش پترولیوم - که همان شرکت نفتی سابق ایران و انگلیس را تشکیل می‌داد- آماج انتقادات قرار داد. برای فهم اهمیت کنسرسیوم در عصر غیبت در راستای احکام اسلام و موازین شرع است، اقدامات مختلفی انجام داده‌اند. ذهنیت عمومی جامعه ما به ویژه نسل جوان این است که وظیفه و اقدامات علمی علما، بیشتر در مباحث خاص دینی- مثل برپایی مراسم دینی، وعظ و خطابه و امام جماعت بودن و پاسخگویی به سؤالات و شبهات اعتقادی و شرعی مردم - بوده است، بنابراین به فعالیت‌های علمای شیعه در عرصه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی کم‌توجهی شده و این مباحث کمتر بیان شده است. امروز نسل جوان ما نمونه‌های زیادی از اقدامات علما در حفظ موراثت دینی، مقابله با شبهات اعتقادی، مناظرات مذهبی، عقیدتی و… را سراغ دارند، اما اگر از نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی با هویت ملی با منافع ملی کشور سخن بگوییم، قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که چون اسلام دینی جامع‌است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامہ دارد، بالطبع عالمان اسلامی که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های آن و اجرای آن را در جامعه بر عهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند. در تاریخ معاصر ایران که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به اقدامات علمی شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ام، یکی از اقدامات علمی شیعه در مواجهه با این تهاجمات، دفاع و حمایت از سرمایه‌های ملی ایران است که آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی داشته است. در این کتاب به نمونه‌هایی از اقدامات این بزرگواران در حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی کشور اشاره خواهیم کرد…»

«**امینتی، اهمیت کنسرسیوم، یک جای پای مهم در تاریخ**

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین فرازهای زندگی علی امینی را در نقش آفرینی وی در انعقاد قرار داد کنسرسیوم نفتی در دوران تصدی وزارت دارایی در کابینه فضل‌الله زاهدی می‌توان یافت. این اقدام، به ملوک‌ک شدن چهره وی در جامعه و نزد سیاستمداران ملی‌انجمنید و او را

آماج انتقادات قرار داد. برای فهم اهمیت کنسرسیوم در عصر غیبت در راستای احکام اسلام و موازین شرع است، اقدامات مختلفی انجام داده‌اند. ذهنیت عمومی جامعه ما به ویژه نسل جوان این است که وظیفه و اقدامات علمی علما، بیشتر در مباحث خاص دینی- مثل برپایی مراسم دینی، وعظ و خطابه و امام جماعت بودن و پاسخگویی به سؤالات و شبهات اعتقادی و شرعی مردم - بوده است، بنابراین به فعالیت‌های علمای شیعه در عرصه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی کم‌توجهی شده و این مباحث کمتر بیان شده است. امروز نسل جوان ما نمونه‌های زیادی از اقدامات علما در حفظ موراثت دینی، مقابله با شبهات اعتقادی، مناظرات مذهبی، عقیدتی و… را سراغ دارند، اما اگر از نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی با هویت ملی با منافع ملی کشور سخن بگوییم، قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که چون اسلام دینی جامع‌است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامہ دارد، بالطبع عالمان اسلامی که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های آن و اجرای آن را در جامعه بر عهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند. در تاریخ معاصر ایران که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به اقدامات علمی شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ام، یکی از اقدامات علمی شیعه در مواجهه با این تهاجمات، دفاع و حمایت از سرمایه‌های ملی ایران است که آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی داشته است. در این کتاب به نمونه‌هایی از اقدامات این بزرگواران در حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی کشور اشاره خواهیم کرد…»

بی‌تردید سیاست‌های علی امینی، مواردی بود که امریکا آنها را در ایران پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دنبال می‌کرد. چه اینکه بدون اصلاحات، ادامه حکومت شاه و تبدیل ایران به سستگری در برابر کمونیسیسم با چالش مواجه می‌گشت. با این همه شاه که مایل بود هر تحولی در کشور را به نام خود تمام کند، توانست با رایزنی با کندی، آنان را به بر کناری امینی مجاب سازد. از سویی عدم همکاری جبهه ملی با دولت نیز در این ناکامی مزید بر علت بود

شاه و تبدیل ایران به سستگر امریکا و انگلیس در برابر کمونیسم، با چالش مواجه می‌گشت. با این همه شاه که مایل بود هر تحولی در کشور را به نام خود تمام کند، توانست با رایزنی با کندی، آنان را به بر کناری امینی مجاب سازد. در مقالی بر تازنمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در این فقره می‌خوانیم:

«**با نخست‌وزیری علی امینی در سال ۱۳۴۰، لایحه اصلاحات ارضی که در دوران نخست‌وزیری منوچهر اقبال تهیه شده بود، بسا اصلاحاتی در هیئت دولت امینی به تصویب رسید و حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی وقت، به عنوان مجری اصلاحات ارضی انتخاب شد و امینی و ارسنجانی، قاطعانه اجرای برنامه اصلاحات ارضی را بی‌گرفتند. ارسنجانی در این راه چنان سرعت و جسارتی به خرج داد که نه تنها مالکان بلکه نخست‌وزیر و مخالفان دولت را شگفت‌زده کرد و شاه را که می‌خواست هر گونه تحولی هر چند سسطحی در ایران به نام او تمام شود، نگران کرد؛ دولت امینی توانست بخشی از برنامه اصلاحات ارضی و اجتماعی را به اجرا درآورد که مورد مخالفت شدید شاه و مالکان بزرگ قرار داشت. به همین منظور تحریکاتی علیه وی شروع شد و همه نیروهای چپ و راست، به انتقاد از اصلاحات ارضی پرداختند. با اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی، حدود ۲۰ درصد از خانوارهای روستایی صاحب زمین شدند، در صورتی که پیش‌بینی شده بود با اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی، اکثریت خانوارهای روستایی بدون زمین دارای زمین کشاورزی شوند، ولی به دلیل مخالفت مالکان بزرگ با تقسیم زمین‌های کشاورزی و ایجاد شرکت‌های زراعی کشت و صنعت، اهداف مرحله اول اصلاحات ارضی محقق نشد. امینی در طول دوران نخست‌وزیری خود تلاش زیادی کرد تا اختیارات شاه را کاهش دهد و کشور را به سمت و سویی دیگر ببرد، اما هرچند با شعارهای پرطمطراق و جذابی روی کار آمد، اما در عمل در راه انجام اقدامات مورد نظرش توفیق چندانی نیافت و کوشش‌های او در کاهش نقش شاه در اداره امور کشور - که از حمایت بخشی از هیئت حاکمه ایالات متحده نیز برخوردار بود- خیلی زود با مقاومت و مخالفت محمد رضا شاه پهلوی مواجه شد. چهار ماه پایانی دولت امینی، زیر سایه جنگی نامحسوس امارفراشیش میان او و شاه طی شد. چنانکه بر اساس اسنادی که بعدها از ساواک به دست آمد، شاه در سفری که به امریکا داشت، مذاکراتی با مسئولان سیاستساز خارجی ایالات متحده انجام داد تا موقعیت دولت امینی را از جهت حمایت طرف امریکایی تضعیف و منززل کند. در همین شرایط بود که امینی پس از ۱۴ ماه نخست‌وزیری، ادامه کار را ناممکن دانست و استعفا کرد…»**

جبهه ملی، در برزخ همکاری با عدم همکاری با امینی

آنچه از آن به اصلاحات علی امینی تعبیر می‌شود، قاعدتاً باید با اقبال نیروهای موسوم به ملی، به ویژه جبهه ملی روبرو می‌گشت، اما این تعامل عملاشکل نگرفت. از مهم‌ترین دلایل این رویداد، این توان به خواسته‌های حداکثری این جبهه اشاره کرد که خواهان بازگشت شاه به قانون اساسی بود. داد هرمدیاس باوند از اعضای این تشکل، شکل نگرفتن این تعامل را اینگونه تحلیل کرده است: «زمانی که امینی نخست‌وزیر شد، شگاف‌هایی در سطح جهانی به وجود آمده بود و به دلیل همین شگاف‌ها بود که کندی رئیس‌جمهور امریکا خواهان برقراری و اجرای یکسری اصلاحات انقلابی ایران بود تا ایران همچنان تحت کنترل آنها باقی بماند. همین اصلاحات موجب شد بخش‌هایی از جامعه با امینی همراه شوند. حتی خود امینی نیز ابراز علاقه و همکاری با جبهه ملی داشت، ولی به دلایلی این همکاری شکل نگرفت. تجمع گسترده مردم در میدان جلالیه - که بیش از یک میلیون جمعیت آمده بودند- بسیار مؤثر بود، حتی خود شاه هم بسا هلی کوپتر از این تجمع بازدید داشت. در این همایش بزرگ مردمی، تعدادی از سران جبهه ملی به سخنرانی پرداختند و نظرات خود را مطرح کردند که امینی قادر به اجرای آنان نبود و از این رو فرصت تعامل جبهه ملی و امینی از دست رفت. قدرت امینی ابتدا به واسطه حضور امینی در کابینه دکتر مصدق، جبهه ملی نگاه مثبتی به او داشت، ولی امضای قرارداد کنسرسیوم سال ۱۹۵۵، این رابطه را به کلی به هم زد. مسئله اصلاحات، فضایی را به وجود آورده بود که تمایلات جبهه ملی جهت همکاری بسا دولت امینی بیشتر و سعی شد مشارکتی حاشیه‌ای شکل گیرد، ولی بساز به دلیل تفاوت توقعات جبهه ملی و دولت امینی، این مشارکت و همکاری به نتیجه نرسید. غیر از اصلاحات، جبهه ملی پیشنهادهاتی را مطرح می‌کرد که قابل اجرا نبودند. امینی و نه هیچ کس دیگری، قدرت اجرای خروج از پیمان سنتون را نداشت، ولی جبهه ملی تاکید داشت چنین اقداماتی صورت گیرد. مصالح کلی و مملکتی ایجاب می‌کرد این همکاری انجام گیرد، ولی عوامل یادشده مانع از شکل‌گیری این همکاری شدند. به هر حال جبهه ملی خواستار احیا و اجرای قانون مشروطیت بود، قانونی که به قول دکتر مصدق شاه فقط در آن سلطنت کند نه حکومت، ولی شاه در آن مقطع، اختیارات گسترده‌ای پیدا کرده بود و اصلاحات مورد نظر جبهه ملی، بیشتر شامل این بخش از قانون بود. آنها خواهان محدود شدن اختیارات شاه بودند و به همین دلیل از نظر جبهه ملی،

۹۶۵۳ | روزنامه جوان | شماره ۶۶۵۳

تغییرات و اصلاحات مورد نظر امینی کافی نبود، ولی تاریخ به ما می‌گوید که همان حداقل‌ها هم مورد پذیرش و تحمل شاه قرار نگرفت و شاه وقتی به امریکا رفت، خود متعهد شد که اصلاحات را انجام دهد و به جای امینی مجری برنامه‌های مسورد نظر امریکاییان باشد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و در نهایت همه چیز به تحکیم قدرت شاه انجامید و دولت امینی دولت مستعجل بود…»

■ **«جبهه نجات» مشغولیات پیرانه سری**

«**امینی مدعی شده بود که با برخی روحانیون و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی، رابطه دارد و از طریق آنان می‌تواند اطلاعات دست اول مورد نیاز سازمان سیا را به دست آورد. البته با سوابق امینی و نزدیکی‌اش با برخی از نیروهای مذهبی، این امر تا حدی قابل قبول به نظر می‌رسید. به ویژه اینکه امریکایی‌ها مثل بسیاری از ایرانیان، چنان با اسلام و نظام حکومتی ایران و ملایانی که سر کار هستند، بیگانه‌اند که هر کس با کمی زرنگی و وابسته به آسانی می‌تواند گنجشک را رنگ کند و به جای قناری به آنها بفروشد. با گذشت زمان و از مودن اطلاعات رسیده از سوی جبهه نجات، امریکایی‌ها متوجه شدند که امینی و یاراتش از گود بیرون هستند و اطلاعاتشان غلط، دست دوم و بی ارزش است و ادعاهایشان عموماً گرافه‌ای بیش نیست ماهی ۱۸۰ هزار دلار که سیا به آنها می‌دهد، حیف و میل می‌شود. بنابراین درصد اصلاح کار برآمدند و در جستجوی فرد مناسبی که جانشین امینی شود، دکتر گنجی را که از دیرباز با آنها سر و سری داشت برگزیدند. پس از مدتی بالاخره گنجی بساط دکتر امینی و یاراتش را از خانه نجات بیرون ریخت…»**

■ **در بی‌فایده‌گی گفته‌های امینی به هاروارد**

علی امینی در سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دو بار به بیان خاطرات خویش مبادرت ورزید. یکی یادداشت‌هایی که در کیهان لندن منتشر کرد و مجموعه آن از سوی انتشارات سوره مهر منتشر و چند بار در این صفحه معرفی شده و دیگری گفتگو با واحد تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد. با این همه برخی اهالی تاریخ، به تقد این دومین نوشته‌ان و را برآورنده انتظارات مخاطبان قلمداد نکرده‌اند. به عنوان نمونه، مسعود بهنود در مقدمه خویش بر چاپ ایران این کتاب نوشت: «کتاب خاطرات را که مرکز مطالعات خاور میانه دانشگاه هاروارد منتشر کرده است، با همه کاستی‌ها، فرصت غنیمتی به دست می‌دهد برای شناخت هر چند کاملی نه‌از یکی از بازیگران تاریخ معاصر ایران که تأثیر آن در سرنوشت نسل‌ها همین بس که در همین دوران بزرگ‌ترین فرصت‌ها از نظر اقتصادی و سیاست‌شناسی در اختیار کشور ما قرار گرفت و به بی‌کفایتی و ضعف و خودپسندی حاکمان (در رأس آنها آخرین شاه) افت که به در شد و باز از جهت تأثیرگذاری نهان این دوران، این انگیزه‌های دش‌تار انجام انقلابی بدان وسعت و عظمت رخ دهد و خلفی وار و چپانی را به شگفتی وادارد. دکتر امینی یکی از بازیگران این دوران بود و از اسال‌های جنگ جهانی دوم (۱۹۳۳) تا ۲۰ سال به طور مستقیم در صحنه بود و اثر می‌گذاشت و ۱۲ سالی را در انتظار، تماشاگر ماجرابی که باید در آخرین ماهه‌های برای برچیدن ختمش، با همه پیری و شکستگی وارد میدان شود…»

دکتر علی بیگدلی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران نیز در تقدی، خاطرات امینی را نوعی فرافکنی دانسته و او را به منزله دانستن خویش در وقایع مربوطه، متهم ساخته است: «در تهیه نخستین مجموعه این خاطرات که متعلق به دکتر امینی است، نسبتاً رحمت کشیده شده و از لایه‌ای آن، هرچند با کاستی‌ها و گاهی بی‌نظمی‌هایی همراه بوده است، به‌رحال زوایای تاریکی از تاریخ حداقل ۵۰ساله ما روشن می‌گردد. اگر خاطرات ژنرال دوگل و چرچیل را مطالعه کرده باشیم، در خواهیم یافت که این خاطرات حداقل دو پیام آشکار دارد، اولاً، هر دو شخصیت از خود قهرمان ساخته‌اند و ثانیاً، همه کوتاهی و تقصیر‌ها را به گردن دیگری انباشته‌اند. دکتر امینی هم در این مصاحبه حتی اشاره کوتاهی هم به اشتباه‌های خود نکرده‌است، او بارها یادآور می‌شود که راستی‌ها و ندانم‌کاری‌ها را به شاه گوشزد کرده، ولی او به دلیل خودخواهی توجه نکرده است. در پاسخ آقای دکتر امینی باید گفت اگر نارضی بود استعفا می‌کرد. برای آگاهی آقای دکتر امینی، لازم است یادآور بشویم که در تاریخ معاصر ایران، یک سیاست‌دور شرافتمند بود که در مواقع ناگزیری استعفا می‌کرد و آن هم مشیرالدوله پیرنیا بود. مشیرالدوله در چهارمین کابینه‌های که در سال ۱۳۰۲ تشکیل داد، به دلیل زورگویی‌های سردار سپه که وزیر جنگ بود، به حضور احمدشاه رسید، استعفا کرد و گفت نمی‌توانم بسا این قزاق کار کنم و برای همیشه از سیاست کناره‌گیری کرد. این عمل باید به صورت فرهنگی در نظام سیاسی درمی‌آمد…»

۱۳۳۲ علی امینی در حاشیه مذاکرات کنسرسیوم نفت

